تاریخ ایران

دورهٔ مقدماتی تألیف جناب آقا شیخ عبدالرزاق المتخلص بخائف

حق طبع محفوظ است



بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش فراوان سزای خدا است که نه چرخ را بی ستون
کرده است پدید آورد و از علم تمکن ده نطفه اندر
رحم درود باد رحمت بر روح نبی که در وصفش از خوی بیامد
نبی درود باد بر آل و اولاد پاک که بی بودشان دهر گردد
هلاک چوندر این زمان خجسته نشان که هزار و سی
صد و بیست و هشت هجری است کوکب تمدن و ترقی تابان
و ستاره نکبت و نحوست رو به نقصان است و بزرگان
مملکت محکم طبیعت در صدد ترقی ابناء وطن افتاده اند
و نسخه تربیت و معارف را وسیله ایمنی از فتن شناخته
اند و هر کس بقدر وسعت خود در هوا داری این آب

وخاک و بینایی هم وطنان بقدر ادراک دامن همت
بر کمر زده است خصوص ابو الارامل و الایتام و مرجع
الخواص و العوام حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای
حاج میرزا سید محمد باقر متولی باشی آستانه حضرت معصومه
لمؤلفه آنکه ز احسان بیکرانه عامش قم شده
همچون بهشت عدن منور مائده عام او منعم و درویش
همی چه رزق خدا مسلم و کافر حاشا لله مگر آستینش پناه
ملت و دین و آستانش مسکن ایتام و مساکین است از اصابت
رای و رزانت طبع و جلالت خلق و کرامت خلق و اصالت
حسب و نسب و حسن تقریر و تحریر بسته در صدد معارف ویمن
پروری و همواره در دایره تربیت کبیره اسلامی در عالم انسانیت
و غیرت مدنیت برد همت و همت کافه و افراد دین و عامه اهل ایران
سرزمین دعا و جود مبارکشان لازم بلکه فرض و متحتم است
زیرا که از آغاز مشروطیت و مساوات و حریت تا الی الان هر
صبح و شام علی الدوام در پی ترویج علوم و تکثیر دوائر
ابر سموم از بذل جان و مال این وجود ملائک خصال دریغ
نکرده و کوتاهی نفرموده اند در تاسیس مدارس جدیده

از قبیل مافوق بیر و فاطمیه یادا ز نمودن قرائت خانهٔ عمومی
بجای بیهنه ترقیهٔ حال داخله و خارجه باعلا درجه
جاهد بوده اند از پرستاری غرباء و عابرین و هواداری
ضعفاء و سائلین از هر گونه مواظب و مراقب بوده اند
لمؤلفه کر بنو نان وجود جود چه کس مرد هما
زارهم اماندادی سفرهٔ عام شر از بنود بسیط ففترا
زلکه آب و ناندادی تا اندرجه خواهان تسهیل سبیل
تمدن و ترتیب معرفت و بصیرت می باشند که باین خادم ملت
و نماده این مملکت شیخ عبدالرزاق المتخلص بخایف
ابن مرحوم آخوند ملا علی اصغر ره امر و مقرر فرمودند که نمونه
از شرح حال گذشتگان وطن با زبان الکن خود بطرزیکه
ساده و آسان و موافق فهم فارسی خوانان فراهم آورم که
حاوی سلسله سلاطین و جامع مختصر وقایع ماضیه
بوده باشد تا اسباب سهولت نوآموزان و باعث رغبت
عامهٔ نوباوه گان هم وطنان گردد تا از دانستن احوال
وطن و گرفتاریهای او باقسام مصائب و فتن باخبر گردند علی الخصوص
سرو بوستان جلالت و دوحهٔ گلستان اصالت الجلیل

والنبیل والخلیل الاصیل آقازادهٔ مکرم جناب مستطاب
حاج کلیددار که این بنده معلمیش مفتخرم
لمؤلفه باخود گفتم که ای مجموعهٔ فهم و ذکاء
آستان تولیت زا از که می بینی ضیاء گفت فرخ پور
زادمش انکه بابی نام او خوابی از نوذالمفضل الله یوتی
من یشاء امیدکه مقبول استانش گردد و از راه ذرّه
پروری عزیز باشد کند که ان الهدایا علی مقدار مهدیها
و ارجو اکه مدیران مدارس ایرانی بواسطهٔ اختصار و
سلاست قبول نمایند و از عیوباتش غمض نظر فرمایند
السعدی غرض نقشیست کز ما باز ماند که
هستی را نمی بینم بقائی بماند سالها این نظم و ترتیب
ز ما هر ذره خاک افتاده جائی لمؤلفه
مگر روزی زخائف یاد آرد بالحمد چه خواند آشنائی
و یا فرخنده خوئی پاکزادی مؤلف را کند
یاد از دعائی **تنبیه** در وجه تسمیه
ایران عناوین بسیار عنوان کرده اند و اقرب از همه اینست
که ایران مخفف ایرج اکبر پسر فریدون باشد این سرزمین بنام
او خوانده شد وقتی که اقالیم را به پسران خود قسمت کرد

در ظهور و انقراض سلسله سلاطین از زمان کیومرث الی زمان نبی

چون بنای تواریخ قبل از هجرت پیغمبر ما مختلف است و هر کس بنای
امر را ابتدای تاریخ قرار داده است و این رساله مختصر گنجایش
ذکر آنها را نداشت و میخواستیم که ذکری هم از این باب بشود لذا از
ابتدای سلطنت پیشدادیان تا زمان هجرت را از هبوط آدم قرار
دادیم و از زمان هجرت را بطریق مشهور خود زمان یاد در این مختصر هم
ذکر می‌شود تواریخ ظهور یا انقراض شده باشد و چون سر و کار با
اطفال صغار بود در این مطلب هم بطرز سؤال و جواب رفتار
تا شاید مؤثر گردد

سلاطین قبل از هجرت خاتم الانبیاء

س — ابتدای سلطنت کیومرث چند سال بعد از هبوط بود
ج — ابتدای سلطنت کیومرث ۲۳۱۹ سال بعد از هبوط است
که ۳۲۶۴ سال قبل از میلاد عیسی و ۷۲۷ سال بعد از
طوفان نوح باشد

شروع نبوت هوشنگ در ۲۳۴۰ بعد از هبوط بود و طهمورث
هم در ۲۳۸۹ سال بعد از هبوط بود
س — جمشید در چند سال بعد از هبوط بود
ج — جمشید در ۲۴۱۹ بعد از هبوط بود که ۱۶۴۰
بعد از طوفان باشد

س ضحاک در چند سال بعد از هبوط بود ج ضحاک
در ۲۹۱۹ سال بعد از هبوط که ۲۶۴۰ سال قبل از میلاد
و ۱۲۲۷ سال بعد از طوفان باشد س فریدون در چه زمان بود
ج فریدون در ۳۹۱۹ سال بعد از هبوط بود که ۱۶۴۰
سال قبل از میلاد و ۱۷۲۷ بعد از طوفان باشد س منوچهر
در چه زمان سلطنت داشت ج منوچهر در ۴۰۱۹ سال
پادشاه شد و کیقباد هم در ۴۳۶۵ بعد از هبوط س کیکاوس
در چه زمان بود و کیخسرو در چه زمان ج کیکاوس در ۴۳۸۰
بعد از هبوط پادشاه شد و کیخسرو در سنه ۴۸۱۳ سال بعد از هبوط
س دارای ثانی در چه زمان بود ج دارای ثانی در سنه ۵۲۶۷
سال بعد از هبوط بود س اسکندر در چه زمان پادشاه شد و
ایران را ویران کرد ج اسکندر در سنه ۵۲۸۱ سال بعد از هبوط
که ۳۰۴ قبل از میلاد و سنه ۳۹ بعد از طوفان پادشاه شد
س ظهور اشکانیان در چه زمان بود ج ظهور اشکانیان
که اشک اول باشد در سنه ۵۲۹۹ سال بعد از هبوط بود که سنه ۲۶۴
قبل از میلاد است س اردشیر بابکان که ایران را از دست ملوک طوایف
بیرون آورد در چه زمان بود ج اردشیر بابکان در سنه ۵۷۸۹
سال بعد از هبوط بود که سنه ۲۱۴ سال بعد از میلاد و ۳۵۱۹

ز طوفان باشد س انوشیروان عادل در چه زمان بود ج
انوشیروان در سنهٔ ۱۲۴ سال بعد از هبوط بود که سنهٔ ۵۳۱ بعد از
میلاد و ۳۸۸۲ بعد از طوفان است س خسرو پرویز در چه
زمان بود ج خسرو پرویز در سنهٔ ۱۲۴ بعد از هبوط بود که
۵۹۹ بعد از میلاد است س اسفندیار روئین تن
در چند سال قبل بدست رستم کشته شد ج اسفندیار در
سنهٔ ۵۰۳۲ سال بعد از هبوط بدست رستم کشته شد س طوفان
نوح در چه زمان بود ج طوفان نوح در سنهٔ ۲۲۴۲ بعد از هبوط
آدم واقع شد س حضرت عیسی در چه زمان بدنیا آمد ج
حضرت عیسی در سنهٔ ۵۵۸۵ بعد از هبوط بی پدر از شکم مریم بوجود آمد
و در سنهٔ ... مصلوب شد س هجرت پیغمبر ما در چه زمان بود
ج هجرت پیغمبر ما در سنهٔ ۶۲۲ سال بعد از هبوط آدم بود که سنهٔ ۶۱۳۱
سال بعد از میلاد عیسی و ۳۹۷۴ سال بعد از طوفان است
س ولادت پیغمبر ما در چه زمان بود ج ولادت پیغمبر ما در
عام الفیل و شهادتش در سال یازدهم هجرت واقع شد س
یزدگرد سیم که آخر سلسلهٔ ساسانیان است در چه زمان کشته شد
ج یزدگرد سیم در سنهٔ ۳۱ هجری کشته شد س خلفا در چه زمان
از دنیا رفتند ج مردن ابابکر در سنهٔ ۱۳ و کشتن عمر در

صفاریان تشکیل سلطنت نمایند در زمان خلفای بنی عباس س
ظهور صفاریان در چه سال بود ج ظهور صفاریان در سنهٔ ۲۵۳
هجری و انقراضشان در سنهٔ ۳۹۳ هجری واقع شد س انقراض
سامانیان در چه زمان بود ج انقراض سامانیان هم در سنهٔ ۳۸۹
هجری بود س انقراض غزنویان در چه زمان بود ج انقراض
غزنویان در سنهٔ ۴۴۱ هجری و آل بویه هم در سنهٔ ۴۴۷ هجری بود
س انقراض سلجوقیان در چه زمان بود ج انقراض سلجوقیان
در سنهٔ ۵۹۰ هجری بود و خوارزمیان هم در سنهٔ ۶۲۸ هجری منقرض شدند س
انقراض چنگیزیان در چه زمان بودند ج انقراض چنگیزیان
در سنهٔ ۷۳۶ هجری بود و تیموریان هم که از آن سلسله بودند در سنهٔ ۹۲۰
هجری منقرض شدند س انقراض صفویه در چه زمان بود
ج انقراض صفویه در سنهٔ ۱۱۳۵ منقرض شد س انقراض افشاریه و زندیه
در چه زمان واقع شد ج انقراض افشاریه در سنهٔ ۱۱۷۰ و زندیه
هم در سنهٔ ۱۱۹۵ بود س ظهور دولت قاجاریه از چه تاریخ
۱۲۰۰ بود ج ظهور دولت قاجار از اواخر صفویه بود که مفصلاً
ذکر شد در زمان افشاریه و زندیه ولی آغا محمد خان بعد
از زندیان بالاستقلال و بی منازع صاحب تاج و تخت و سلطان



بسم الله الرحمن الرحیم

س ۱) — (علم تاریخ چه علمیست)

ج) — (علم تاریخ علمیستکه بما میفهماند که از سابق
مملکت ما را که از عهد پادشاهان پیشدادیان تا امروز
چه انقلابها در وطن ما رو یداده تا باعث عبرت ما شود)

س ۲) — (مملکت یعنی چه)

ج) — (مملکت یعنی چند ایالت که زیر فرمان یك
پادشاه باشد و ایالت یعنی حکومت نشین است)

س ۳) — (وطن یعنی چه)

ج) — (وطن یعنی جائی که شخص در آن زائیده و نشو
و نما کند ....)

س (۴) — مملکت ما چه نام دارد و پدران ما کجائی
بوده و هستند

ج — مملکت ما ایران نام دارد و پدران ما ایرانی بوده و هستیم

س (۵) — ایرانیها جدیداند یا قدیم

ج — ایرانیها قومی قدیمند و هیچ کس از انها قدیمی تر نیستند

س (۶) — ایرانیها یقدیم چه دینی داشتند و عقیده انها چیست

ج — ایرانیها یقدیم زردشتی مذهب بودند و قدیم تر ان
انها عقاید دیگر داشتند که جای ذکرش اینجا نیست

س (۷) — عقیده انها چه بوده

ج — عقیده انها این بود که خدا دو تاست یکی خالق خوبیها
و یکی خالق بدیها و خالق خوبی را یزدان مینامند و خالق بدی
را اهرمن و میگفتند که این دو خدا همیشه با هم در نزاعند و
مردمان باید حرف یزدان را بشنوند نه اهرمن را

س (۸) — کتاب زردشتیان چه نام دارد

ج — کتاب زردشتیان اوستا و زند و یا زند نام دارد
و در میان انها مثل قران است

س (۹) — دیگر از عقاید انها چه بود

ج — دیگر از عقاید انها این بود که اتش را خیلی احترام میکردند و اتش خانه ها میساختند و از این جهة انهارا اتش پرست میگفتند

س ۱۰ — ایا حالا هم زردشتی هست یا نیست

ج — بلی وقتیکه خدا پیغمبر ما را فرستاد بیشتر ایرانیها ایمان اوردند انها که ایمان نیاوردند حالا انهارا گبر یا مجوس مینامند

س ۱۱ — ایرانیها کدام کار را ثواب میدانستند و از کدام کار متنفر بودند

ج — ایرانیها زراعت را که اسباب اباد یست از کارهای ثواب میدانستند و از دروغ و بی حیائی خیلی متنفر بودند

س ۱۲ — ایرانیهای قدیم با ما چه تفاوت داشتند

ج — ایرانیهای قدیم یکقسم فارسی حرف میزدند که حالا ما نمیفهمیم و خط انهارا ما نمیتوانیم بخوانیم و زندگانی و اداب دیگر داشتند

س ۱۳ — چرا ما از احوالات ایرانیهای قدیم درست اطلاعی نداریم

ج — برای انیکه از بسکه قدیمی هستند ما نمیتوانیم از احوالات انها با خبر شویم ولی سلاطین انها معلوم است

س ۱۴ — سلاطینی که در ایران سلطنت کردند از چه قرار است

ج — سلاطینی که در ایران سلطنت کردند از این قرار است پیشدادیان کیان اشکانیان ساسانیان دولت اسلام صفاریان سامانیان آل بویه غزنویان سلجوقیان خارزمیان چنگیزیان تیموریان صفویه افشاریه زندیان قاجاریه

س ۱۵ — پیشدادیان چند نفر سلطنت کردند و مدت سلطنت انها چه قدر بوده

ج — پیشدادیان دوازده نفر سلطنت کردند و مدت سلطنت انها چهار هزار سال و چند سال بود و اسامی انها اینست کیومرث هوشنگ طهمورث جمشید ضحاک فریدون ایرج منوچهر افراسیاب نوذر زاب کرشاسب ولی ضحاک از عرب بود و افراسیاب اگرچه از اصل ایرانی بود ولی ظاهراً تورانی مینمود

س ۱۶ — اول کسیکه در دنیا بسلطنت نشسته که بوده

ج — اول کسیکه در دنیا بسلطنت نشست کیومرث بود قبل از او مردم خوراک و لباس درستی نداشتند و لباس دوختن و خوراک پختن بمردم یاد داد دیوها با او حسد بردند و پسر خود سیامک را بجنگ دیوان فرستاد دیوان او را کشتند کیومرث پسر سیامک را که هوشنگ نام داشت

فرستاد دیوان را کشت و حضرت نوح ع و سام در زمان او بودند

س (۱۷) ——— بعد از کیومرث که بپادشاهی نشست

ج ——— بعد از کیومرث هوشنگ بسلطنت نشست
و کارها و صنعتها بمردم اموخت ———

س (۱۸) ——— بعد از هوشنگ که بسلطنت نشست

ج ——— بعد از هوشنگ طهمورث بسلطنت نشست
و دیوها را بسیار میکشت و حبس میکرد از اینجهة او را دیو
بند میگفتند و در زمان او قحطی سختی روی داد حکم کرد که دولت
داران روزها خود را بفقرا بدهند و شام چیزی بخورند تا
همه مردم مثل هم باشند و روزه گرفتن را مردم از ان زمان یاد گرفتند

س (۱۹) ——— بعد از طهمورث که بپادشاهی نشست

ج ——— بعد از طهمورث پسرش جمشید بپادشاهی نشست
سلطنت او بقول مشهور ششصد سال طول کشید صنایع و
اختراعات بسیار باو نسبت میدهند خانه ساختن طبابت اسلحه
جنگ جواهر شناسی او بمردم اموخت و عید نوروز را او مرسوم کرد
و شهر استخر که نزدیکی شیراز بوده او ساخت و در زمان قدیم پایتخت
تخت ایران بوده حالا خراب است و مشهور است بتخت جمشید و جام

جهان نما که همه دنیا در ان پیدا بود داشت و اخر کار ادعای
خدائی کرد خدا ضحاک را باو مسلط کرد و سلطنت او را باطل
کرد و حضرت هود و صالح و فیثاغورث حکیم و شداد که بهشت ساخت
در زمان او بودند

———

س (۲۰) ——— بعد از جمشید که بپادشاهی نشست

ج ——— بعد از جمشید ضحاک بپادشاهی نشست و او پادشاهی
خونریز و ظالم بود و ضحاک بمعنی ده آفت یعنی عیب چونکه ده
عیب داشت و او را بیوراسب نیز میگفتند یعنی صاحب ده هزار
اسب و بیور بمعنی ده هزار است و ابرهیم خلیل و اسمعیل و اسحق
و لوط و نمرود که ابرهیم را باتش انداخت در زمان او بودند

س (۲۱) ——— ضحاک از زیادتی ظلم چه فایده میبرد

ج ——— ضحاک از زیادتی ظلم این فایده را برد که روی دوشهای او
دو سلعه بیرون امده بود بشکل دو مار که از زیادتی درد خواب
و خوراک او تمام شده بود و علاج کم شدن دردان این بود که
مغز سر دو جوان را بر روی انها میگذاشتند و اخر الامر مردم از
ظلم او بتنگ امدند کاوه اهنگر که دو جوان او را کشته بودند چرم
پاره خود را بسر چوبی کرد بشکل علم و بمردم گفت با من همراهی

کیند برای کشتن ضحاک مردم جمع شده او را در کوه دماوند
حبس کردند یا آنجا او را کشتند

س (۲۲) — علم کاوه که از چرم پاره ساخته بودند او را چه مینامیدند

ج — علم کاوه که از چرم پاره ساخته بودند درفش کاویانی
میگفتند و سلاطین ایران او را بجواهر زینت کرده بودند و
در جنگها همراه میبردند و فتح میکردند آخر آن علم در زمان اسلام
بدست عرب افتاد جواهر او را قسمت کردند

س (۲۳) — بعد از ضحاک که بپادشاهی نشست

ج — بعد از ضحاک مردم خواستند کاوه را پادشاه
کنند گفت پادشاهی کار من نیست باید از خانوادهٔ سلطنت
کسی را طلبید رفتند فریدون که از اولاد جمشید بود آوردند
و پادشاه کردند

س (۲۴) — فریدون چند سال پادشاهی کرد

ج — فریدون پانصد سال پادشاهی کرد و با مردم
خیلی مهربانی و بخشش مینمود و او سه پسر داشت یکی ایرج یکی تور
و یکی سلم مملکت خود را میان این سه پسر قسمت کرد ایران را به
ایرج که کوچکتر بود داد و ترکستان را بتور و شام را

بسلم سلم و تور با ایرج حسد بردند و بمکر او را کشتند و خضر
یعقوب و یوسف و ایوب در زمان او بودند

س (۲۵) — ایرج که کشته شد کسی خونخواهی کرد یا نه

ج — وقتیکه ایرج کشته شد فریدون پسر ایرج را که منوچهر
نام داشت بجای او پادشاه کرد و او لشکر کشید سلم و تور را که
عموی او بودند بخون پدر بکشت و مملکت آنها را ضبط کرد و صد
و بیست سال پادشاهی کرد

س (۲۶) — در زمان منوچهر چه انقلابی روی داد

ج — در زمان منوچهر یکی از اولاد ترکها تور که افراسیاب
نام داشت لشکر کشید بجنگ منوچهر ولی غلبه نکرد و با هم صلح
کردند و مملکت را قسمت کردند ایران تا رود جیحون سهم منوچهر
شد و از جیحون بآنطرف سهم افراسیاب و خضر و موسی و هرون و یوشع
و شعیب و داود و سلیمان و عوج بن عنق در زمان او بودند

س (۲۷) — بعد از منوچهر که پادشاه شد

ج — بعد از منوچهر پسرش نوذر پادشاه شد چون لیاقت
نداشت افراسیاب بجنگ او آمد و او را کشت و ایران را متصرف
شد ایرانیان با او شوریدند و بیرونش کردند بعد از او پسر

گرشاسب پادشاه شد و او آخر سلسلهٔ پیشدادیان است

س ۲۸) — سردار و وزیر محترم منوچهر که بود —

ج — سردار و وزیر محترم منوچهر سام پسر نریمان بعد از او پسرش زال بود و بعد از او پسرش رستم داستان بود که اسم او معروف است زال از بچگی موهایش سفید بود باین جهت او را زال میگفتند —

س ۲۹) — سلسلهٔ دوم پادشاهان ایران کدامند

ج — سلسلهٔ دوم پادشاهان ایران کیانند و اول کسیکه از آنها به پادشاهی نشست کیقباد بود از نسل منوچهر و آنحکایت این چنین بود که بعد از گرشاسب زال پسر سام سعی کرد تا او پادشاه شد و با افراسیاب جنگ کرد و شجاعت رستم در زمان او ظاهر شد که تورانیان را شکست داد و باهم صلح کردند و او پادشاهی عادل بود صد سال پادشاهی کرد و خضر و الیاس و الیسع و ذو الکفل در زمان او بودند —

س ۳۰) — بعد از کیقباد که به پادشاهی رسید

ج — بعد از کیقباد پسرش کیکاوس به پادشاهی رسید و او لشکر کشید بطرف مازندران و گرفتار شد و او را حبس کردند

رستم داستان رفت و او را نجات داد و جنگ هفت خوان رستم که برای او هفت واقعه روی داد در این راه بود —

س ۳۱) — در زمان کیکاوس چه واقعه رویداد

ج — در زمان کیکاوس این واقعه رویداد که پسری داشت سیاوش نام که در همهٔ دنیا مثل نداشت زن پدرش او را بپدر متهم کرد و او قهر کرده بتوران رفت نزد افراسیاب —

س ۳۲) — سیاوش که بتوران رفت عاقبت کارش بکجا کشید

ج — سیاوش که بتوران رفت افراسیاب دختر خود را باو داد و عزت کرد گرسیوز برادر افراسیاب باو حسد برد و سعی کرد تا افراسیاب او را بی تقصیر کشت چون خبر کشتن او بایران آمد همه مردم سیاه پوش شدند و زنان گیسوان پریشان کردند لباس سیاه پوشیدن در عزا و گیسوان گشودن از آن زمان است —

س ۳۳) — بعد از کشتن سیاوش کسی خونخواهی کرد یانه

ج — بعد از کشتن سیاوش زن او که دختر افراسیاب بود حامله بود پسری آورد کیخسرو نام گیو بن گودرز او را از توران بایران آورد و جانشین کیکاوس شد و خونخواهی کرد و رستم هم قبل از او با افراسیاب خیلی جنگ کرد —

س ۳۴ — بعد از کیکاوس پادشاهی بکه قرار گرفت

ج — بعد از کیکاوس پادشاهی بکیخسرو قرار گرفت و او از همه پادشاهان کیانی معروف تر بود و با افراسیاب جنگ کرد تا او را کشت و آخر عمر دست از پادشاهی برداشت و مشغول عبادت شد و پادشاهی را بلهراسب که از نواده کیقباد بود و حضرت لقمان علیه السلام در زمان او بود

س ۳۵ — لهراسب چه گونه پادشاهی بود

ج — لهراسب پادشاهی خونریز و ظالم بود و در زمان پادشاهی لشکر کشید به بیت المقدس و مصر و دور را فتح داد و حضرت دانیال را و بخت النصر که رهام بن گودرز باشد (او بود در زمان)

س ۳۶ — بعد از لهراسب که پادشاه شد

ج — بعد از لهراسب پسرش گشتاسب پادشاه شد و زردشت در زمان او ظاهر شد و باو ایمان آورد و دین زردشت را رواج داد

س ۳۷ — در زمان گشتاسب چه واقعه روی داد

ج — در زمان گشتاسب این واقعه روی داد که پسری داشت اسفندیار نام ملقب برویین تن با دشمنان پدر جنگ کرد

و همه را کشت و فتحها کرد آن وقت از پدر توقع کرد که سلطنت را بمن واگذار کن گشتاسب بهانه آورد که اگر تو پادشاه شوی رستم از تو تمکین نمیکند اول او را بکش آن وقت پادشاه شو

س ۳۸ — آخر کار اسفندیار با رستم بکجا کشید

ج — آخر کار رستم با اسفندیار بجنگ کشید هر چه رستم او را نصیحت کرد قبول نکرد آخر رستم هر دو چشم او را با تیر کور کرد و او از غصه مرد و گشتاسب هم از اینکار پشیمان شد ولی فایده نداشت

س ۳۹ — گشتاسب بعد از مردن اسفندیار چه کرد

ج — گشتاسب بعد از مردن اسفندیار پسر او بهمن را ولیعهد خود نمود و او را اردشیر دراز دست نیز میگویند زیرا که دست او دراز بود که تا زانو میرسید

س ۴۰ — بهمن چه گونه پادشاهی بود

ج — بهمن پادشاه عادل و عاقلی بود و در زمان سلطنت او برادر خودش بمکر در چاه افکند و هلاک شد (رستم را شغاد پدر را)

بهمن هم بعد از رستم از اولاد او خونخواهی کرد و همه را کشت

س ۴۱ — بعد از بهمن که بپادشاهی رسید

ج — بعد از بهمن دختر او که هما نام داشت و حامله
بود از جانب جنین پادشاه کردند وقتیکه بدنیا آمد اسم او را
دارا گذاشتند و پادشاه شد و افلاطون حکیم در زمان او بود

س ۴۲ — در زمان دارا چه واقعه روی داده

ج — در زمان دارا مقدونیه که مملکتی کوچک بود و
همسایه ایران پادشاهی داشت فیلیب نام خیلی باکفایت خواست
ایران را بگیرد عمرش کفایت نکرد و بمرد و هم آن زمانها هم دارا مرد

س ۴۳ — دارا که مرد که بجای او نشست

ج — دارا که مرد پسری داشت هم نام خودش بجای او
نشست و فیلیب هم پسری داشت اسکندر نام بجای او نشست چون
خیال پدر را میبرد لشکر کشید بایران

س ۴۴ — اسکندر که لشکر بایران کشید کار او با دارا بکجا کشید

ج — اسکندر که لشکر بایران کشید در سر جنگ دارا را
شکست داد و دو نفر از سرداران معتبر دارا که جانوسیار و
ماهیار باشد در باطن با اسکندر اظهار دوستی کردند و
دارا را کشتند و دولت کیان منقرض و اسکندر پادشاه
ایران شد خضر و ارسطوی حکیم و سلطنت یاجوج در زمان او بود

س ۴۵ — کیان چند نفر سلطنت کردند و مدت سلطنت انها
چه قدر بوده

ج — کیان نه نفر سلطنت کردند و مدت سلطنت
انها هفتصد سال و اندکی بود و اسامی انها اینست
کیقباد کیکاوس کیخسرو لهراسب گشتاسب بهمن هما دارای
اول دارای دوم

س ۴۶ — اسکندر چه گونه پادشاهی بود

ج — اسکندر پادشاه قابلی بود با هر که جنگ می
کرد فتح میکرد و همه جا را تصرف کرد و او را کبیر لقب دادند
ولی بد جوانی مرد دوازده سال بیشتر سلطنت نکرد و چون
وارثی نداشت مملکت او را سرداران او قسمت کردند و ملوک
الطوایف شد همه جا

س ۴۷ — وقتیکه ملوک الطوایف شد ایران را که تصرف کرد

ج — وقتیکه ملوک الطوایف شد یکی از سرداران معتبر
که نامش سلوکوس بود شام را تصرف کرد و لشکر کشید
بایران و ایران را هم تصرف کرد و وارث مملکت کیان شد

س ۴۸ چند وقت ایران در دست سلوکوس بود —

ج ـــ صد و چند سال ایرانیان در دست این سلسله بودند انها از سلاطین سلوکیه که هم شهرت داشتند ولی با کفایت نبودند مملکتی را که پدران ایشان از بنیر (؟) تسخیر کرده بودند از دست دادند

س ۴۸ ـ چگونه سلطنت از دست سلوکیان بیرون رفت

ج ـ در خراسان طایفه بودند تورانی که انها را پارت میگفتند خیلی وحشی و بت پرست بودند ولی در تیراندازی مهارت تمام داشتند بزرگ انها که اشک نام داشت با سلاطین سلوکیه یاغی شد و در خراسان بنای سلطنت گذاشت و پادشاه شد ــــــــ

س ۴۹ ـ وقتیکه آشک بسلطنت نشست آخر کار ش بکجا کشید

ج ـ وقتیکه اشک بسلطنت نشست با سلاطین سلوکیه بنای جنگ گذاشت و کم کم مملکت انها را از دست انها گرفت و اولاد اشک هم هر که بسلطنت نشست اسم خود را اشک گذاشت بانیجهة انها را اشکانیان میگفتند ــــــ

س ۵۰ ـــ اخر کار اشکانیان بکجا کشید ـــ

ج ـــ اخر کار اشکانیان بالا گرفت تا تمام ایران را تصرف نمودند اشک ششم و هفتم بیکباره سلطنت سلوکیها

تمام نمودند و خود انها بنای سلطنت گذاشتند و حکم انها در تمام ایران جاری شد ــــــ

س ۵۱ ـــ در زمان اشکانیان چه واقعه روی داد

ج ـــ در زمان اشکانیان دولت معتبری بود که ان را دولت روم میگفتند در شهر روم که حالا پای تخت ایطالیاست کم کم اطراف خود را متصرف شدند و امدند تا بشام و همسایه اشکانیان شدند حاکم انها که کراسوس نام داشت میل کرد که ایران را هم بگیرد ــــــ

س ۵۲ ـ عاقبت کار کراسوس با ایرانیان بکجا کشید

ج ـ عاقبت کار کراسوس اینشد که لشکر بایران کشید و کشته شد و از ان زمان که ارد نام داشت و پادشاه بود سردار او را کشت بعد از چند سال باز سردار دیگری لشکر بایران کشید و کشته شد از ان زمان پیوسته رومیان لشکر بایران میکشیدند تا اینکه اطراف شهر مداین را که پای تخت ایران بود گرفتند و تخت طلای اشکانیان را بردند ــــــ

س ۵۳ ـــ رومیان که مداین را گرفتند اشکانیان چه کردند

ج ـ رومیان که مداین را گرفتند اشکانیان کم کم ضعیف

شدند یکی از بزرگان ایران که اردشیر نام داشت با سلطا
اشکانی آنزمان که اردوان نام داشت بشورید و جنگ کرد تا
او را کشت و سلطنت انها منقرض و خود پادشاه شد

س ۵۴ ـ اشکانیان چند نفر سلطنت کردند و دولت انها چگونه بود

ج ـ اشکانیان بیست و هشت نفر سلطنت کردند در مدت
پانصد سال ولی دولت معتبری بودند لیکن چون نو خشتی و بت پرست
بودند مملکت انها بادشد و غیر از انها و روم مملکت معتبری نبود
که اسمی داشته باشد و حضرت عیسی و زکریا و یحیی و یونس و اصحاب
کهف در زمان انها بودند

س ۵۵ ـ اسامی انها چه بود

ج ـ اسامی معتبرین انها این بود
اشك ١ اشك ٢ بن اشك شاپور ٣ بن اشك بهرام ٤ بن شاپور
بلاش ٥ بن بهرام ـ هرمز ٦ بن بهرام ـ النس ٧ بن بلاش بن بهرام ـ فیروز ٨
بن هرمز بن بلاش ـ فلاش ٩ بن فیروز ـ اردوان ١٠ بن بلاش ـ اردوان ١١
اشغ ـ بیژن ١٢ بن اشغ ـ بلاش ١٣ بن اشغ ـ گودرز ١٤ بن بلاش ـ نرسی ١٥
گودرز ـ گودرز بن نرسی ـ نرسی ١٧ بن نرسی ـ اردوان ١٨ بن نرسی

س ۵۶ ـ بعد از اشکانیان کدام سلسله پادشاهی کردند

ج ـ بعد از اشکانیان ساسانیان پادشاهی کردند
و اول انها اردشیر بود پسر بابك و از اینجهت او را اردشیر بابکان
میگفتند و چون جد انها ساسان نام داشت انها را ساسانیان
میگفتند

س ۵۷ ـ اردشیر بابکان چگونه پادشاهی بود

ج ـ اردشیر بابکان پادشاهی عادل و کاردان بود
و پادشاه روم را شکست داد و مملکت ارمنستان را که
از تصرف ایران بیرون رفته بود مسخر کرد

س ۵۸ ـ عاقبت کار اردشیر بکجا رسید

ج ـ عاقبت کار اردشیر بالاخره علوم و ادبیات
ایرانی را ترقی داد و دین زردشتی که بواسطهٔ اشکانیان
از میان رفته بود رونق داد و حواریون که اصحاب عیسی باشند
در زمان او بودند

س ۵۹ ـ بعد از اردشیر که بپادشاهی رسید

ج ـ بعد از اردشیر پسرش شاپور اول بپادشاهی
رسید و با دولت روم جنگ کرد و والرین را که امپراطور
روم بود اسیر کرد و با ایران آورد و عفا که مرغ معروفی است

در زمان او بود و بنغبرین حضرت خالد بر طرف شد —

س ۱۶ — در زمان شاپور چه واقعه روی داد

ج — در زمان شاپور این واقعه روی داد که شخصی پیدا شد مانی نام و ادعای پیغمبری کرد و دین تازه برپا نمود کتابی معجزه خود قرار داد که ارژنگ میگفتند و در آن تصویرهای خوب کشیده بود از اینجهت او را مانی نقاش هم نامیدند —

س ۱۷ — شغل عمده سلاطین ساسانی چه بود

ج — شغل عمده انها زد و خورد با دولت روم بود بر سر ولایت ارمنستان رومیان میخواستند که انجا را بگیرند و ایرانیان میگفتند که مال ملک ما باشد —

س ۱۸ چه کردند ایرانیان با رومیان در سر ولایت ارمنستان

ج پیوسته ایرانیها با رومیان جنگ میکردند تا پادشاه هفتم ساسانی که نامش نرسی بود با دیوکلسین امپراطور روم جنگ کرد و شکست خورد ارمنستان و کردستان و بعضی شهرهای دیگر رومیان تصرف کردند —

س ۱۹ ایا ایرانیها تلافی کردند این شکست را یا نه —

ج — بلی تلافی این شکست را شاپور دوم که عربها ذوالاکتاف میگویند کرد و بعد از پدر بدنیا امد از بچگی پادشاه بود

س ۲۰ — چرا او را ذوالاکتاف هم نامیدند

ج — برای اینکه در زمان بچگی او عربها بایران امدند و خیلی خرابی کردند و بمردم ایران صدمه زدند شاپور که بزرگ شد از حال انها باخبر شد از انها بی اندازه کشت و هر کدام را که نمیکشت حکم میکرد کتفهای انها را سوراخ میکردند و طناب دران میکردند باینجهت او را شاپور ذوالاکتاف میگویند

س ۲۱ — چه طور تلافی کرد شاپور بر رومیان —

ج — بعد از انکه از فتنه رومیها افتاد و بنای جنگ را با انها گذاشت و خیلی جنگها کرد و همیشه فتح میکرد عاقبت ژولین امپراطور روم با لشکر زیاد بایران امد و گرفتار شد ناچار رومیان صلح کردند و ولایاتی را که دیوکلسین گرفته بود پس دادند و شاپور برحمت هفتاد سال پادشاهی کرد و مردم در زمان او اسوده بودند و حضرت جرجیس در زمان او بود —

س ۲۲ بعد از شاپور دوم دیگر از سلاطین معتبر این سلسله که بود

ج — بعد از شاپور دوم از سلاطین معتبران سلسله بهرام گور است و او را از این جهت بهرام گور می‌نامیدند که به شکار گور خر میلی داشت ——

س ۱۸ — در زمان بهرام گور چه واقعه روی داد

ج — در زمان بهرام گور این واقعه روی داد که پادشاه ترکستان با ایران دست درازی کرد بهرام لشکر او را شکست داد و خود او در جنگ کشته و شمار معمار که قصر خورنق را ساخت که در زمان او بود ——

س ۱۹ — عاقبت کار بهرام گور به کجا کشید

ج — عاقبت کار بهرام گور این شد که روزی به شکار رفت و گور خری را دنبال کرد تا از نظر لشکرش غائب شد هر چه گردش کردند اثری از او معلوم نشد ——

س ۲۰ — بعد از بهرام گور از سلاطین معتبر که بود

ج — بعد از بهرام گور نواده او فیروز سلطان معتبری بود میان او و پادشاه هیاطله که ترکان باشند جنگ شد بعد از چند جنگ عاقبت خوشنواز که پادشاه ترکان بود فیروز را به حیله کشت و حکایت قحطی هم در زمان او بود

س ۲۰ — بعد از فیروز که به پادشاهی رسید

ج — بعد از فیروز پسرش قباد به پادشاهی رسید و در زمان او کسی پیدا شد که نامش مزدک بود و ادعای پیغمبری کرد و دینی اختراع کرد و می‌گفت هیچ چیز مخصوص به یک نفر نیست همه مردم حق دارند که تصرف کنند

س ۲۱ — آخر کار قباد به کجا رسید ——

ج — آخر کار قباد این شد که دین مزدک را قبول کرد و همه مردم بر او شوریدند و او فرار کرد نزد پادشاه هیاطله لشکر گرفت و به ایران آمد و دوباره پادشاه شد و با رومیان جنگ کرد غالب شد و اصحاب فیل که به قصد کعبه مقتول ابابیل شدند در زمان او بود ——

س ۲۲ — بعد از قباد که به پادشاهی نشست

ج — بعد از قباد پسرش انوشیروان عادل به پادشاهی نشست و از پادشاهان مشهور ایران شد و اسم او خسرو بود مملکت ایران را آبادان و امن کرد و لشکر را منظم کرد و مزدک و مزدکیان را برانداخت و کشت و ظلم و تعدی را برانداخت

س ۲۳ — در زمان انوشیروان چه روی داد ——

ج — در زمان انوشیروان که او را کسری هم میگفتند
با دولت روم جنگ بسیار شد و همیشه انها را شکست
داد و پیغمبر ما که پیغمبر اخر الزمان است در زمان او بدنیا آمد

س ۷۴ — سبب ترقی انوشیروان چه بود —

ج — سبب ترقی انوشیروان این بود که وزیری داشت
نام او ابوذرجمهر بود او را بکارها خوب امر میکرد و وضائف
مردم را فراهم میاورد و از حکمای معروف است —

س ۷۵ — بعد از انوشیروان پسرش هرمز پادشاه شد
چون ظالم و خونریز بود مردم با او شوریدند و پسرش خسرو پرویز را
بپادشاهی برداشتند —

بعد از انوشیروان کی پادشاه شد

س ۷۶ — خسرو پرویز چگونه پادشاهی بود —

ج — خسرو پرویز پادشاه عیاشی بود گنج و مال فراوان
داشت و فتوحات بسیار کرد ولی نتوانست نگاه دارد بهرام
چوبین که یکی از سرداران او بود با او یاغی شده مدعی سلطنت
او شد پرویز از امپراطور روم کمک خواست و او را کشت
و حکایت شیرین و فرهاد در زمان او بود —

س ۷۷ — اخرکار خسرو پرویز بکجا کشید —

ج — اخر کار خسرو پرویز انجا کشید که میان او با دولت
روم بد شد و لشکر بروم کشید و بیشتر شهرهای روم را گرفت
و امپراطور روم را مستاصل کرد اخر الامر امپراطور روم
لشکری فراهم کرد و بی خبر حمله بایران اورد —

س ۷۸ — امپراطور روم که حمله بایران اورد اخر کارش چه شد

ج — امپراطور روم که حمله بایران اورد اتفاقا فتح کرد
سرداران ایرانرا شکست داد و برگشت بروم پرویز از این باب
با سرداران بنای بدسلوکی را گذاشت و سرداران با پسرش
شیرویه بهم ساختند و او را کشتند —

س ۷۹ — بعد از پرویز که پادشاه شد —

ج — بعد از پرویز پسرش شیرویه پادشاه شد ولی
چون در قتل پدرش شراکت کرده بود یکسال بیشتر سلطنت
نکرد و از دنیا رفت چون همه شاهزادگان را کشته بود کسی
نبود که بپادشاهی بنشیند ایرانهم مدعی بسیار پیدا
کرد و چندی وقتی هم دختران پرویز سلطنت داشتند

س ۸۰ — ایرانکه مدعی پیدا کرد چه کردند ایرانیان —

ج — ایران که مدعی پیدا کرد یکی از شاهزادگان ساسانی

که یزدگرد سیم نام داشت واز ترس شیرویه فرار کرده بود
بایران آمد واو را پادشاهی برداشتند و او ایران را منظم کرد

س ۸۱ — در زمان یزدگرد چه واقعه رویداده

ج — در زمان یزدگرد پیغمبر ما از دنیا رفت و ابابکر
بخلافت بغصب نشست و لشکر بایران فرستاد و جنگ یزدجرد

س ۸۲ — نام مبارک پیغمبر ما چیست —

ج — نام مبارک پیغمبر ما از اینقرار است محمد بن عبد الله
عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مرة
کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر که مسمی بقریش است
ابن کنانه بن خزیمة بن مدرکة بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد
عدنان بن ادد بن یسع بن همیسع بن سلامان بن نبت بن حمیل بن قیدار
بن اسماعیل ابرهیم بن تارخ بن ناحور بن شروع بن ارغو که هود است
ابن فالغ بن عابر بن شالح بن ارفخشد بن سام بن نوح بن لمک بن
متوشلخ بن اخنوخ که ادریس است بن یارد بن مهلائیل بن قینان
بن انوش بن شیث بن آدم ع است —

س ۸۳ — در زمان ولادت پیغمبر ما چه علامتی ظاهر شد

ج — در زمان پیغمبر ما ستاره ها از آسمان بزمین

آمدند و آتشکده فارس خاموش شد و طاق ایوان کسری در
مداین شکست خورد و دریاچه ساوه خشک شد و علائم
دیگر هم ظاهر شد که جای ذکر آن نیست —

س ۸۴ — پیغمبر ما که مردم را بستایش خدا خواند چه کردند مردم

ج — پیغمبر ما که مردم را بستایش خدا دعوت کرد چون همه
مردم بت پرست بودند در صدد اذیت او بر آمدند و خویشانش
حمایت میکردند آنوقت جبرئیل نازل شد که مردم را بدین پیغمبری
خود دعوت کن وقتیکه دعوت کرد مردم جمع شدند او را بکشند
آنوقت بامر خدا از مکه بمدینه هجرت کرد و این تاریخ از آن زمان است

س ۸۵ — پیغمبر ما که از مکه بمدینه هجرت کرد کارش بکجا کشید

ج — پیغمبر ما که از مکه بمدینه هجرت کرد کارش بالا گرفت
و دین اسلام رونق یافت و لشکر بهمه جا فرستاد و هر کس که
مسلمان شد و دین او را قبول کرد آسوده شد و هر کس مسلمان نشد
جزیه قبول کرد بعهد وفا کرد و پناه اسلام باشد در سال آخر عمر
در بیابان غدیر خم بامر خدا علی بن ابیطالب را خلیفه خود کرد

س ۸۶ — وقتیکه علی بن ابیطالب خلیفه شد چگونه شد

ج — وقتیکه علی بن ابیطالب خلیفه شد بعد از چند روز

پیغمبر ما از دنیا رفت و مقارن بود این امر با پادشاهی یزد
گرد سیم پس منافقی که برای مال دنیا به پیغمبر خدا ایمان آورده
بود جمع شدند و نگذاشتند که امیر المؤمنین خلیفه شود
همه با هم با ابابکر بیعت کردند و حق امیر المؤمنین علی را غصب
کردند و ابابکر بغصب بین مسلمانان شد و لشکر با ایران فرستاد
بجنگ یزدگرد سیم

س ۸۷ — ابابکر که لشکر با ایران فرستاد چه گونه شد

ج — ابابکر که لشکر با ایران فرستاد با یزدگرد بنای
جنگ گذاشت گاهی شکست و گاهی فتح میکردند و در
همان زمانها ابابکر از دنیا رفت و عمر الخطاب را خلیفه کرد

س ۸۹ — وقتیکه عمر بخلافت نشست چه گونه شد

ج — وقتیکه عمر بخلافت نشست لشکری چند جنگ
با یزدگرد کردند و او را شکست دادند آخر در نهاوند یک بار
لشکر یزدگرد منهزم شد و خود او فرار کرد و در بدر شد تا
در آسیا بطمع لباس هایش او را کشت و دولت
ایران منقرض شد

س ۹۰ — ساسانیان چند نفر سلطنت کردند و دولت آنها چه گونه بود

ج — ساسانیان بیست هشت نفر سلطنت کردند
در مدت چهار صد سال و بیشتر آنها عادل بودند و در
زمان آنها ایران خیلی آباد شد و مردم خوش گذشت و
پای تخت آنها مداین بود و قصر سلطنتی آنها هنوز باقیست و
معروف است بطاق کسری چون آنها را اکاسره هم میگفتند

س ۹۱ — بعد از ساسانیان کدام سلسله پادشاهی کردند

ج — بعد از ساسانیان دولت اسلام برقرار شد
با ترتیب که گفتیم لشکر اسلام از مدینه با ایران آمدند و فتح کردند
و اساس سلطنت را بغارت بردند و از جانب عمر که بناحق
خلیفه شده بود رئیسی برای آنها معین شد و در زیر فرمان
دولت اسلام آمدند ایرانیان

س ۹۲ — در زمان عمر چه واقعه روی داد —

ج — در زمان عمر این واقعه روی داد که لشکر
بمصر و شام فرستاد و هر دو را فتح کرد چون بظاهر اسلام
عمل میکرد دین اسلام خیلی ترقی کرد وقتیکه بنا بر زش
شد باز حق امیر المؤمنین رد نکرد و خلافت را باجماع
واگذار نمود بنا چند نفر منافقین عثمان را اختیار کردند

س ۹۳ — عثمان که بخلافت نشست چه کونه شد

ج — عثمان که بخلافت نشست بنای ظلم را گذاشت و منافقان را بر مسلمانان تسلط داد و باج و خراج از مردم گرفت در بیان و پیش خدمت بر خویشان قرار کرد و کارها که بخلاف فرمایش خدا و رسول بود بجای آورد یک مرتبه مسلمانان تنگ آمدند ریختند در خانه او و او را کشتند و امیر المومنین علی ابن ابیطالب را بخلافت برداشتند وحقی را که بظلم غصب کرده بودند بصاحبش رسید

س ۹۴ — ج امیر المومنین که بخلافت نشست میخواست بطریقه پیغمبر رفتار کند و بدعتهائی را که خلفای ثلاثه گذارده بودند بردارد منافقین شورش کردند و معویه که با عثمان خویش بود و در شام حاکم بود مردم را با امیر المومنین شورانید و بنای جنگ را گذاشت بعد از چند سال یکی از منافقین که عبد الرحمن بن ملجم باشد در کوفه در مسجد نماز صبح امیر المومنین را ضربت زد و شهید کرد

س ۹۵ — بعد از امیر المومنین که خلیفه شد

ج — بعد از امیر المومنین امام حسن خلیفه شد ولی معویه نگذاشت و مردم را با او شورانید و مردم هم با او نفاق کردند ناچار امام حسن برای مصلحت با معویه صلح کرد و خلافت را معویه بظلم ضبط کرد و خفیه آنحضرت را به زهر شهید کرد و برای خود دستگاه سلطنتی درست کرد ولی و مجنون در زمان او بودند

س ۹۶ — معویه پسر که بود

ج — معویه پسر ابو سفیان بود و او پسر حرب بود و او پسر امیه بود که غلام رومی بود و عبد الشمس که یکی از اجداد پیغمبر بود او را بپسری برداشته بود و اینها با [illegible] از قریش میخوانند و معویه با عثمان از یک طایفه بودند و اینها را بنی امیه میگفتند

س ۹۷ — خلفای بنی امیه چه کونه مردمانی بودند

ج — خلفای بنی امیه مردمان ظالمی بودند و بمردم خیلی ظلم میکردند خصوصا بشیعه و همیشه خلاف قانون اسلام رفتار میکردند ولی در زمان اینها دولت اسلام خیلی ترقی کرد و تا آنوقت سلطنتی بآن بزرگی دیده نشده بود

ومعویه در حیات خودش بروز از مردم برای پسرش یزید
بیعت گرفت و واقعه کربلا در زمان یزید اتفاق افتاد

س (۹۸) — بنی امیه چند نفر سلطنت کردند و مدت
سلطنت انها چه قدر بود

ج — بنی امیه ۱۴ نفر سلطنت کردند و مدت
سلطنت انها هزار ماه قدری کمتر بود که تخمینا نود سال
بوده باشد و مراد از شجره خبیثه در قران انها می
باشند و پای تخت انها در دمشق که مشهور بشام است بود
و پیش از انها خلفا در مدینه بودند

س (۹۹) — اسامی انها چیست

ج — اسامی انها از اینقرار است
عثمان معویه یزید بن معویه معویة بن یزید مروان بن
حکم عبد الملک مروان ولید عبد الملک سلیمان بن عبد
الملک عمر بن عبد العزیز یزید بن عبد الملک هشام بن عبد
الملک ولید بن یزید بن ولید مروان حمار و حجاج بن یوسف
در زمان انها بود

س (۱۰۰) — آخر کار بنی امیه بکجا کشید

ج — اخر کار بنی امیه با بنی عباس که اولاد
عباس بن عبد المطلب که عموی پیغمبر باشد نزاع شد
لشکری فراهم اوردند و بر بنی امیه خروج کردند
و گفتند خلافت حق ما می باشد که خویشان پیغمبریم
و بر انها غالب شدند و سلطنت را بغصب کردند زیراکه
اگر خلافت بخویشی پیغمبر هم بود باید حق اولاد پیغمبر باشد
که اولاد علی بن ابیطالب عم باشند نه کس دیگر و الا
خلافت بامر خداست

(غلطی غصب)

س (۱۰۱) — اول از خلفای بنی عباس که بوده

ج — اول از خلفای بنی عباس احمد سفاح
بود که خلافت را از بنی امیه انتزاع نمود و خودش به
غصب متصرف شد و بیشتر بنی امیه را کشت و مردم
از زیادتی ظلم بنی امیه بسلطنت او راضی شدند

س (۱۰۲) — دولت بنی عباس چه گونه بود

ج — دولت بنی عباس شکوه و عظمت
زیاد پیدا کرد خصوص در زمان هرون و
مامون که دولتی با ان معتبری دیده نشده بود ولی

دراخر از عهده بیرون نیامدند کم کم ولایات از دست

انها بیرون رفت و پایتخت انها بغداد بود در سر دیگی

مداین

س۱۳ — بنی عباس چند نفر سلطنت کردند

ج — بنی عباس بیست و هشت نفر سلطنت

کردند در مدت پانصد سال و اندی و دو تن از امام های

ما از ظلم امیه و بنی عباس شهید کردند

س۱۴ — اسامی انها چه بود —

ج — اسامی انها از اینقرار است

احمد سفاح منصور دوانقی محمد بن منصور ملقب به

مهدی محمد هادی هرون بن مامون المعتصم بالله

الواثق متوکل علی الله منتصر مستعین معتز مهتدی

معتضد مقتدر مکتفی قاهر راضی متقی مستکفی

قادر مقتدی مستظهر مسترشد راشد مستنجد ناصر

ظاهر مستنصر المستعصم بالله

س۱۵ — چه کونه ولایات از دست بنی عباس بیرون رفت

ج — وقتی که بنی عباس سلطنت شان معتبر

شد بنا بخوش گذرانی را گذاردند و از حال مردم

غافل شدند باین سبب هر کسی در گوشه سرکشی کرد

من جمله در ایران یعقوب لیث بعضی ولایات را تصرف

کرد و بنای سلطنت گذارد چون پدرش روی گر بود

انها را صفاریان میگفتند

س۱۶ — وقتیکه یعقوب لیث بسلطنت نشست

چه کونه شد

ج — وقتیکه یعقوب لیث بسلطنت نشست

خلیفه عباسی ان زمان که المعتمد بالله بود لشکر بجنگ

او فرستاد ولی باو غلبه نکرد و یعقوب سلطنت داشت

تا از دنیا رفت

س۱۷ — بعد از یعقوب کی بپادشاهی رسید

ج — بعد از یعقوب برادرش عمرو لیث

بپادشاهی رسید و از سلاطین معتبر ایران بود و

خلفا لشکر بجنگ او فرستادند و او بخلیفه بیعت کرد

خلفا هم ایران را باو واگذار کردند و دولت ایران ترقی

زیاد پیدا کرد ولی بعد از او اولادانش بدست از

عهده سلطنت بیرون نیامدند و با سامانیان زد و خورد داشتند ——

س ۱۰۸ — صفاریان چند نفر سلطنت کردند و مدت سلطنت انها چه قدر بود ——

ج — صفاریان پنج شش نفر بیشتر سلطنت نکردند و معروف انها یعقوب لیث و عمرو و خلف بن احمد و طاهر بن محمد تقریب بچهل سال سلطنت داشتند و پای تخت انها در سیستان که جزو مملکت خراسان است بود

س ۱۰۹ — بعد از صفاریان کدام سلسله پادشاهی کردند ——

ج — بعد از صفاریان سامانیان پادشاهی کردند بان طریق که گفتیم عمرو لیث با اسمعیل سامانی بنای جنگ گذاشت اتفاقا مغلوب شد و سامانیان بر انها تسلط پیدا کردند عاقبت ایران را هم گرفتند و دولت صفاریان برطرف شد ——

س ۱۱۰ — سامانیان از کدام طایفه بودند ——

ج — سامانیان طایفه بودند ایرانی در ان

طرف جیحون که ماوراء النهر میباشد و چون با کفایت بودند خلفای بنی عباس حکومت ان طرف را بانها واگذاردند و چون یکی از اجداد انها سامان نام داشت مسمی بسامانیان شدند و معاصر صفاریان بودند چنانکه گفته ——

س ۱۱۱ — سامانیان چند نفر سلطنت کردند و مدت سلطنت انها چه قدر بود ——

ج — سامانیان نه نفر سلطنت کردند در مدت صد سال و قدری و معروفین اسمعیل است و نصر و احمد و نوح و منصور و عبد الملک و اخر کار با آل بویه و غزنویان که نوکر انها بودند کشمکش داشتند اخر غزنویان بر انها غالب شدند و سلطنت انها را تمام کردند ولی در زمان انها ایران خیلی ترقی کرد علوم و ادبیات ایران را ترقی دادند و رودکی شاعر و فارابی و شیخ ابو علی سینا در زمان انها بودند و پای تخت انها در بخارا بود ——

س ۱۱۲ — آل بویه کیانند ——

ج — آل بویه حسن و احمد و علی پسران بویه

که ماهی گیر بود و از نسل بهرام گور میباشند و در زمان
خلفای بنی عباس که مملکت ایران تقریباً ملوک الطوایف
شده بود و بواسطهٔ ضعف عباسیان هر کسی در گوشهٔ خود
سری میکرد من جمله در طبرستان که جزو مازندران است
آل زیاد که از بزرگان ایران بودند و قابوس معروف از
ایشان است تسلط داشتند و آل بویه که از جانب آنها
به بعضی از بلاد حکومت داشتند از بسکه با مردم مهربانی
کردند مردم آنها را بسلطنت برداشتند و از طاعت
آل زیاد بیرون رفتند و خود ایشان بنای سلطنت
را گذاشتند

س ١١٣ — همین که آل بویه از اطاعت آل زیاد
بیرون کردند رفتند چه کردند —

ج — همین که آل بویه از طاعت آل زیاد بیرون
رفتند بنای جنگ با آنها و با سامانیان که در شرق
ایران بودند گذاردند و همیشه فتح میکردند و علی که بزرگ
تر بود بر آنها ریاست داشت و خلیفهٔ عباسی باو عماد
الدوله لقب داد حسن هم بعد از علی لشکر بسر خلیفه کشید

و خلیفه او را خیلی احترام کرد و معز الدوله لقب داد

س ١١٤ — بعد از معز الدوله که بسلطنت نشست

ج — بعد از معز الدوله پسرش رکن الدوله
بسلطنت نشست و زیاد ترقی نمود علم و هنر را در ایران
رواج داد و چون شیعه بودند دین شیعه را که تا آن زمان
مقهور سنی بود ظاهر کردند و عزاداری سید الشهدا
از آن زمان آشکار شد و نزاع شیعه و سنی هم از آن
وقت برقرار گردید —

س ١١٥ — آل بویه چند نفر سلطنت کردند و
مدت سلطنت آنها چه قدر بود —

ج — آل بویه شانزده نفر سلطنت کردند
در مدت صد و سی سال چون اول با هم موافقت داشتند
خیلی ترقی کردند ولی در آخر نفاق میان آنها افتاد و ضعیف
شدند و سلجوقیان که از نسل افراسیاب بودند سلطنت
آنها را تمام کردند ابن عمید و صاحب بن عباد وزیر آنها
بود و آل بویه را دیالمه میگویند چون مدتی در دیلم که
جزو گیلان است حکومت داشتند —

س ۱۶ — اسامی آنها چیست —

ج — اسامی معروفین آنها اینست

عماد الدوله رکن الدوله معز الدوله عضد الدوله
مؤید الدوله فخر الدوله مجد الدوله شرف الدوله
بهاء الدوله سلطان الدوله جلال الدوله صمصام
الدوله که مرزبان نامه را نوشت

س ۱۷ — غزنویان از کدام طایفه بودند

ج — غزنویان از نسل سبکتکین که از غلامان
البتکین است میباشند البتکین از جانب سامانیان در
زابلستان که افغانستان باشد حکومت داشت و وقتیکه
سامانیان ضعیف شدند او هم یاغی شد و بعد از او
سبکتکین بجایش نشست و اطراف خود را مسخر ساخت
و با سامانیان که آقایان آنها بودند بنای جنگ را
گذاشت و چون پای تخت ایشان در غزنه بود مشهور
بغزنویان شدند

س ۱۸ — بعد از سبکتکین که بسلطنت نشست

ج — بعد از سبکتکین پسرش سلطان محمود

بسلطنت نشست و خیلی ترقی کرد و دولت سامانی و
بقیه صفاریرا برطرف کرد و خلیفه عباسی یمین الدوله
باو لقب داد و لشکر کشید بهند و بت خانه سومنات را
آتش زد و دین اسلام را در هند رواج داد و عنصری
و فرخی و منوچهری و فردوسی که شاهنامه را باسم
او نوشت در زمان او بود و ایاز معروف غلام او بود

س ۱۹ — غزنویان چند نفر سلطنت کردند
و مدت سلطنت آنها چه قدر بود —

ج — غزنویان چهارده نفر سلطنت
کردند در مدت صد و پنجاه سال و معروفین آنها
محمود است مسعود مودود ارسلان علی محمد
ابراهیم —

ولی در اول خیلی ترقی داشتند و در اواخر بواسطه
سهل انگاری و تن پروری مغلوب سلجوقیان که سپاهی
ایشان بودند گردیدند

س ۲۰ — سلجوقیان از کدام طایفه اند

ج — سلجوقیان از نسل افراسیاب است

باشندداول غزنویان از انطرف جیحون که ماوراء النهر
باشد بایران آمدند و غزنویان آنها را در خراسان سکنی
دادند و محبت کردند چندیکه در انجا ماندند از اطراف
باخر شدند با رعیت بنا بشورش را گذاشتند و با آنها
غالب شدند و خودشان بنا بحکومت گذاردند —

س ۱۲۱ — وقتیکه بنا بحکومت گذاردند چه گونه شد

ج — وقتیکه بنا بحکومت گذاشتند میانه غزنویان
باسامانیان که آقایان آنها بودند بهم خورد و شوریدند
و دولت سامانیان را برطرف کردند و قدرت سلطنت کار
سلجوقیان بر افتاد چون ایشان قدرتی پیدا کرده بودند
با غزنویان بنای جنگ گذاشتند اتفاقاً غالب شدند
و بالاستقلال پادشاه ایران شدند —

س ۱۲۲ — اولین سلاطین سلجوقیه که بوده

ج — اول از سلاطین سلجوقیه سلطان
طغرل بود و از سلاطین نام آور بود و لشکر کشید
به بغداد بجنگ خلیفه و با او غالب شد و دوباره او
را بخلافت نصب کرد و بزیارت مکه مشرف شد و با

مردم بطور مهربانی سلوک میکرد و نماز را بجماعت میگذاشت

س ۱۲۳ — بعد از طغرل که بسلطنت نشست

ج — بعد از طغرل الب ارسلان بسلطنت
نشست و با امپراطور روم جنگ کرد و با او غالب شد
و از پادشاهان مشهور ایران است و مملکت ایران در
زمان او وسعت پیدا کرد و نظام الملک که از وزراء
معروف است در خدمت او بود —

س ۱۲۴ — سلجوقیان چند نفر سلطنت
کردند و مدت سلطنت آنها چه قدر بود —

ج — سلجوقیان دوازده نفر سلطنت
کردند در مدت صد و نود سال اقتدار و استقلال
آنها از پشت دیوار چین تا دیوار شام بود و لیکن در آخر
در خود ایران از عهده بر نیامدند و اتابکان فارس و
آذربایجان از آنها اطاعت نمیکردند و از آثار آنها برجی
آنست که در کنار حضرت عبدالعظیم است و انوری شاعر و
سنائی و خیام و امیر معزی و نظامی و ظهیر فاریابی و
خاقانی و کمال الدین اسمعیل در زمان آنها بودند

س ۱۲۵ ــــ اسامی ایشان چه بوده

ج ــــ اسامی معروفین ایشان از اینقرار است سلطان طغرل الب ارسلان ملکشاه سلطان سنجر محمد محمود و طغرل ثانی و ثالث و فتنه اسماعیلیان که ایشان را ملاحده هم میگفتند و بامامت اسماعیل بن امام جعفر صادق قائل بودند از اتباع حسن صباح میباشند و مشهورند بقتل ایشان و بسیاری از ارباب نفوذ از علما و غیره را کشتند ــــ

س ۱۲۶ ــــ اتابکان کیانند

ج ــــ اتابکان دو طایفه بودند یکی اتابکان فارس که معروفین ایشان شاه شجاع و سعد زنگی و ابوبکر ابن سعد که سعدی در زمان او بوده و یکی اتابکان اذربایجان و معروفین ایشان قزل ارسلان و جهان پهلوان و مظفر الدین ازبک است ــــ

س ۱۲۷ ــ بعد از سلجوقیان کدام سلسله پادشاهی کردند ــــ

ج ــــ بعد از سلجوقیان خارزمیان پادشاهی

کردند چون ایشان از جانب سلجوقیان در خارزم حکومت داشتند موسوم باین اسم شدند و عاقبت سلطنت سلاجقه که آقایان ایشان بودند ضبط کردند ــــ

س ۱۲۸ ــــ چه گونه خارزمیان بپادشاهی رسیدند

ج ــــ همین که سلجوقیان از حال مملکت غافل شدند و هر کسی بگوشه سرکشی میکرد اتابکان هم فارس و اذربایجان را تصرف کردند و خارزمیان هم که ضعف ایشان را دیدند با ایشان شوریدند و سلطنت ایشان بواسطه این پوسیدگی و خوش گذرانی از دست رفت و خارزمیان پادشاه ایران شدند ــــ

س ۱۲۹ ــــ خارزمیان چند نفر سلطنت کردند و سلطنت ایشان چه قدر بود ــــ

ج ــــ خارزمیان هفت نفر سلطنت کردند در مدت صد و سی سال و معروفین ایشان سلطان تکش و ملک ارسلان و سلطان محمد خارزمشاه است که در زمان او یکی از تجار مغول در ایران کشته شد و باین واسطه چنگیز خان مغول لشکر بایران کشید و

و دولت ایران را برطرف کرد

س ۱۳۰ — آخرین سلطان خارزمی که بود

ج — آخرین سلطان خارزمی پسر رشید سلطان محمد جلال الدین است که اسم معروف است و چند دفعه لشکر مغول را شکست داد و در حفظ دولت ایران کوشید ولی فایده نکرد و عاقبت کشته شد و ایران لکدکوب لشکر مغول گردید و شد آنچه شد

س ۱۳۱ — مغول از کدام طایفه و چه گونه مردمانی بودند

ج — مغول طایفهٔ ترکان وحشی و بت پرست بودند و رئیس خود را خان یا قاآن می نامیدند و چون ریاست به چنگیزخان رسید بخیال سلطنت افتاد همهٔ ترکستان را تصرف کرد و همسایهٔ ایران شد و بواسطهٔ کشتن یکی از تجار مغول در ایران لشکر با ایران کشید

س ۱۳۲ — وقتیکه چنگیز لشکر با ایران کشید چه گونه شد

ج — وقتیکه چنگیزخان لشکر با ایران کشید بهر شهری

که رسید خراب کرد و قتل عام نمود باین واسطه اهل ایران رعبی از او پیدا کردند و در همه جنگها شکست میخوردند

س ۱۳۳ — آخرکار چنگیز با ایرانیان بکجا کشید

ج — آخرکار چنگیز با ایرانیان اینشد که سلطان محمد پادشاه ایران از غصه مرد و بزرگان ایران کشته شدند و خواتین سلطنت اسیر لشکر مغول شدند و سلطان جلال الدین پسر رشید سلطان محمد لشکری فراهم آورد و با چنگیز مشغول محاربه شد و چندین مرتبه آنها را شکست داد

س ۱۳۴ — آخرکار سلطان جلال الدین بکجا کشید

ج — آخرکار سلطان جلال الدین بفرار کشید چونکه لشکر ایران از لشکر مغول ترسیده بود عاقبت سلطان جلال الدین کشته شد و دولت ایران منقرض و چنگیز پادشاه ایران شد

س ۱۳۵ — بعد از چنگیز که بسلطنت رسید

ج — بعد از چنگیز مملکت را پسرانش قسمت کردند و ایران سهم تولی خان شد و او بعکس پدر بنای مهربانی گذارد و دلهای رمیده را آرام میکرد ولی مردم

ایران بواسطه فتنه مغول و فساد فدائیان ملاحده مهتوک
شده و حشمتشان رفته بود

س ۱۳۶ — بعد از تولی خان که بسلطنت رسید

ج — بعد از تولی خان هلاکو خان را بسلطنت
ایران معین کردند و او فتنه اسماعیلیان را یکباره بر
طرف کرد و شهرهای انها را خراب کرد بقسمیکه جز
اسمی از انها باقی نماند

س ۱۳۷ — از کارهای بزرگ هلاکو خان چه بود

ج — از کارهای بزرگ هلاکو خان این بود
که بسعی خاجه نصیر طوسی که وزیر او بود لشکر بیغداد
کشید و ابن علقمی قمی که وزیر مستعصم عباسی بود و
در باطن شیعه بود اسباب اضمحلال خلیفه را فراهم اورد
تا بغداد بدست هلاکو خان فتح شد و مستعصم کشته
و دولت عباسی منقرض گردید

س ۱۳۸ — سبب دشمنی ابن علقمی با خلیفه
چه بود

ج — سبب دشمنی ابن علقمی با خلیفه این بود

که پسر خلیفه اهل محله کرخ که شیعه و بیشتر از سادات بنی
فاطمه بودند کشت و غارت کردند و بعضی انها را اسیر کرد
بانی سبب اسباب انقراض انها را فراهم اورد

س ۱۳۹ — دیگر از سلاطین معتبر چنگیزی که بود

ج — دیگر از سلاطین معتبر مغول شاه خدا
بنده است که دین شیعه را قبول نمود و خطبه بنام
دوازده امام خواند و دین شیعه را ترویج کرد
و مجلس مباحثه علامه با علمای سنی در حضور او
معروف است

س ۱۴۰ — چنگیزیان چند نفر سلطنت کردند
و مدت سلطنت انها چه قدر بود

ج — چنگیزیان بیست نفر سلطنت کردند
قریب صد سال و لی در اول خیلی تسلط داشتند
در اخر بواسطه نفاق ضعیف شدند بقسمیکه از
سلطنت انها جز اسمی باقی نمانده بود چوپانیان و
مظفریان که محمد و خان خاجه حافظند و چند سلسله
دیگر در زمان انها در اطراف ایران سلطنت میکردند

تا آنکه امیر تیمور گورکان لشکر بایران کشید و باز ایران
گرفتار زحمت شد ——

س ۴۱ — اسامی ایلخانها کدام است

ج — اسامی معروفین آنها اینست

چنگیز خان تولی خان هلاکو خان اباقا خان
کیکولتخان منکوقاان ارغونخان قازانخان شاه
خدابنده بهادرخان درباخان موسی محمد
انوشیروان —

س ۴۲ — اشخاص معروف که در زمان آنها
بودند کیانند

ج — اشخاص معروف که در زمان آنها بودند
خواجه نصیر طوسی است که زیج باسم هلاکو نشانید
و ابن علقمی و شیخ عطار و نجم الدین کبری و جلال
الدین محمد رومی صاحب مثنوی و حافظ و سعدی
و یاقوت غلام مستعصم که خطاط معروف است —

س ۴۳ — امیر تیمور از کدام طایفه است

ج — امیر تیمور از طایفه مغول و از ترکا

چنگیز است و چندین دفعه لشکر بایران کشید و در
قتل و خونریزی کمتر از چنگیز نبود و مملکت ایران و
بیشتر ممالک آسیا را متصرف کرد و کتاب ظفرنامه او معروف
است با اندرز نامه که وصف حال خود امیر تیمور است

س ۴۴ — بعد از امیر تیمور که بسلطنت رسید

ج — بعد از امیر تیمور پسرش شاهرخ میرزا
بسلطنت نشست خرابیهائی که در زمان پدرش بمملکت
و ملت وارد آمده بود بنای اصلاح گذارد و با
مردم بطور مهربانی سلوک میکرد و رفع انزجار قلوب
ایرانیان را از ترکان نمود ——

س ۴۵ — بعد از میرزا شاهرخ که به
سلطنت نشست ——

ج — بعد از میرزا شاهرخ پسرش الغ
بیک بسلطنت نشست و او مردی فاضل و علم دوست
بود و زیج الغ بیکی که بنام او بسته شد معروف است

س ۴۶ — تیموریان چند نفر سلطنت کردند
و مدت سلطنت آنها چقدر بود ——

ج — تیموریان هیجده نفر سلطنت کردند و مدت
سلطنت انها صد و پنجاه سال بود و اول امر خیلی مقتدر
بودند و اخر حیات ضعیف شدند که بجز اسم انها چیزی باقی
نمانده بود و ترکمانان قراقوینلو و اق قوینلو اطراف را
تصرف کردند و بالاستقلال سلطنت میکردند —

س ۱۴۶ — اسامی انها چه بود —

ج — اسامی مشهورین انها اینست امیر تیمور
میرزا شاهرخ الغ بیک خلیل میرزا سلطان محمد میرزا
میرزا بابر سلطان ابوسعید سلطان احمد سلطان حسین

س ۱۴۷ — بعد از تیموریان کدام سلسله بسلطنت
نشستند

ج — بعد از تیموریان صفویه بسلطنت نشستند
و نسب انها بامام موسی کاظم علیه السلام میرسد و چون
جد انها شیخ صفی نام داشت موسوم بصفویه شدند
و شیخ صفی یکی از مشایخ محترم است —

س ۱۴۸ — اول کسیکه از صفویه بقصد سلطنت
حرکت کرد چه نام داشت

ج — اول کسیکه بقصد سلطنت حرکت کرد
شاه اسمعیل است که مریدان پدر را جمع کرد بخونخواهی
پدرش سلطان حیدر که در شیروان کشته شده بود
با پادشاه انجا جنگ کرد و او را کشت و مملکت او را
ضبط کرد و با ترکمانان که تسلط پیدا کرده بودند
چند جنگ کرد تا انها را مغلوب کرد و تبریز را پای
تخت خود قرار داد —

س ۱۴۹ — شاه اسمعیل که بسلطنت نشست چه
کرد —

ج — شاه اسمعیل که بسلطنت نشست
بغداد و خوزستان را تصرف نمود و رفت بخراسان
محمدخان شیبانی رئیس ازبکان بود کشت و انجا را
تصرف نمود و عرصه ایران را از سرگردانی و خونریزی
و ذلت نجات داد و از بیگانگان خالی ساخت و دین
شیعه را از نو رونق داد —

س ۱۵۰ — جنگ عمده شاه اسمعیل کدام است

ج — جنگ عمده شاه اسمعیل جنگیست که

چالداران از محال تبریز با سلطان سلیم عثمانی کرد چون
در کار ایران خیلی اختلال میکرد بعد از جنگ شاه اسماعیل
بعضی شهرهای عثمانی را تصرف کرد

س ۱۵۱ — بعد از شاه اسماعیل که بسلطنت رسید
ج — بعد از شاه اسماعیل پسرش شاه طهماسب
پادشاه شد و در اول بواسطه کمی سن نظم ایران بهم خورد
ولی بزودی در امور سلطنت تصرف نمود و مملکت را
منظم کرد ولیکن ازبکان و عثمانی فتنه میکردند —

س ۱۵۲ — چه کرد شاه طهماسب با عثمانی و ازبکان
ج — شاه طهماسب بواسطه فساد ازبکان و عثمانی
قزوین را پای تخت کرد و لشکر بیگانه را از ایران بیرون
و دین شیعه را ترقی داد

س ۱۵۳ — بعد از شاه طهماسب که پادشاه شد
ج — بعد از شاه طهماسب دو پسرش اسمعیل و محمد
بنوبت پادشاه شدند و بواسطه بی کفایتی انها بزرگان
بنای مخالفت گذاردند و کار ایران اشفته گشت عثمانی
ها تبریز و ازبکان خراسان را تصرف کردند —

س ۱۵۴ — همین که ایران اشوب شد چه گونه شد
ج — همین که ایران اشوب شد بهمراهی بعضی از
بزرگان ایران پسر سلطان محمد شاه عباس اول در قزوین
بتخت نشست و در اول ایران را ارام کرد و بعد لشکر بخراسان
کشید ازبکان را بیرون کرد و عثمانیها را هم شکست داد
و یکباره ایران را اسوده نمود و وسعت مملکت را بسر حد
کمال رسانید و اصفهان را پای تخت نمود —

س ۱۵۵ — از کارهای بزرگ شاه عباس چیست
ج
از کار بزرگ شاه عباس ترویج علم و صنعت است و کا
روانسراها و مدرسها و تکیه‌ها در همه جا ساخت و
بقدری از علما و تجار احترام کرد که مردم طوعا پی تحصیل
علم و تجارت بر امدند —

س ۱۵۶ — دیگر از سلاطین معتبر صفوی که بود
ج — دیگر از سلاطین معتبر صفوی شاه عباس
ثانی است که در صدد ترویج علم و صنعت بر امد و از
زمان شاه عباس اول تا اخر زمان شاه عباس ثانی ایرانیان
در مهد امن و امان بودند و لذا تن پرور شدند —

س ۵۷ — وقتیکه بنای تن پروری شد چگونه شد

ج — وقتیکه بنای تن پروری شد از یاد مملکت داری بیرون رفتند و در هر گوشه فتنه برپا شد افاغنه در خراسان و عثمانی از یکطرف و روس هم بواسطه نظر کبیر در ترقی مملکت بودند از چهار طرف پیش آمدند

س ۵۸ — ایران که گرفتار فتنه شد چه گونه شد

ج — ایران که گرفتار فتنه شد ملک محمود افغان قصد تسخیر ایران نمود همه جا را گرفت تا در اصفهان وارد شد و شاه سلطان حسین که مرد بی کفایتی بود مجبور کرد تا بدست خود تاج سلطنت بر سر او گذارد و پادشاه ایران شد و بنای کشتن شاه زادگان صفویه را گذاشت و طهماسب پسر شاه سلطان حسین فرار کرد

س ۵۹ — همین که طهماسب فرار کرد چه گونه شد

ج — همین که طهماسب فرار کرد رفت نزد فتح علیخان قاجار و از او کمک خواست چون مردم بصفویه میل داشتند همراهی کردند و لشکری فراهم آوردند و رفت بخراسان در بین راه شخصی موسوم بنادر باو

ملحق شد چون آثار شجاعت از او ظاهر بود در پیش شاه طهماسب ترقی کرد طهماسب قلی خان لقب یافت

س ۶۰ — وقتیکه نادر ترقی کرد چه گونه شد

ج — وقتیکه نادر ترقی کرد در صدد کشتن فتح علیخان قاجار که رقیب او بود بر آمد بهر طریقه بود او را بکشتن داد و چون بخراسان رسید آنجا را مسخر کرد شجاعت او ظاهر شد با لشکر زیاد رو باصفهان آمدند

س ۶۱ — شاه طهماسب با نادر که رو باصفهان آمدند چه گونه شد

ج — شاه طهماسب با نادر که رو باصفهان آمدند اشرف با لشکر سر راه آمد و در مورچه خورت جنگ سختی (اشرف افغان که بعد از محمود بود) کردند ولی شکست خورد و برگشت رو باصفهان و بزرگان ایران را کشت و اندوخته سلطنتی را برداشت و بشیراز فرار کرد

س ۶۲ — اشرف که بشیراز فرار کرد چه گونه شد

ج — اشرف که بشیراز فرار کرد شاه طهماسب وارد اصفهان شد و بتخت نشست نادر هم بشیراز رفت

اشرف را شکست داد و فرار نموده آخر کشته شد و مملکت ایران از فتنه افغان آسوده شد که از فتنه چنگیز و تیمور نبود

س ۳۳ــــ ایران که از فتنه افغان آسوده شد چه گونه

ج ــــ ایران که از فتنه افاغنه آسوده شد چند صاحب روس و عثمانی بر او تاختند نادر در همدان قشون عثمانی را شکست داد و دست آنها را از ایران کوتاه نمود خبر رسید که افغان خراسان را تصرف کرده نادر برگشت بخراسان و آنها را گوشمالی داده ولی در غیاب نادر دشمنان او طهماسب را بجنگ عثمانی بردند و شکست خورده صلح کردند که بعضی از ولایات ایران با نها واگذار شد

س ۳۴ــــ نادر که از اینمعامله خبر شد چه کرده

ج ــــ نادر که از اینمعامله خبر شد پیغام داد که این صلح باطل است یا ولایات ایران را تخلیه کنید یا آماده جنگ باشید خودش باصفهان آمد و شبی پادشاه را دعوت کرد و شراب زیاد با و خورانید و در حالت مستی حرکات ناشایسته او را به ایران لشکر

نشان داد و با بعقاب او را عزل کرده پسر شیرخواره او را به سلطنت برداشتند

س ۳۵ــــ بعد از عزل پادشاه و نصب پسر شرح چه گونه شد

ج ــــ بعد از عزل پادشاه و نصب پسر شاه نادر به نیابت سلطنت بجنگ عثمانی رفت دفعه اول شکست خورد ولی بزودی آنها را شکست داد و از ایران بیرون نمود و روسها که فتوحات نادر را دیدند ایران را تخلیه کردند و مملکت از بیگانه خالی شد آنوقت در صحرای مغان که خالی از آبادی است همه بزرگان را دعوت کرد

س ۳۶ــــ بزرگان ایران را از برای چه دعوت کرد

ج ــــ بزرگان ایران را از برای این دعوت کرد که ایران از بیگانه خالی شد حال از این پدر و پسر هر که را میخواهید بسلطنت اختیار کنید دوستان او را اختیار کردند یا چار مردم متابعت کردند اول ابا کرد و بعد قبول کرد با ینشرط که خلفا را سب نکنند و مذهب جعفری هم یکی از مذاهب سنت باشد و صدور

که بزرگ علما بود قبول نکرد شبانه او را کشتند مردم
از بیم نادر بی ناچار قبول کردند دولت صفویه منقرض
و نادر پادشاه ایران شد

س ۱۶۷ — صفویه چند نفر سلطنت کردند

ج — صفویه دوازده نفر سلطنت کردند و مدت
سلطنت انها دویست سال بود ولی احیاء مذهب شیعه
و کتب علمیه و نشر اخبار ائمه در زمان انها شد و علما را
بقدری احترام کردند که مردم همه به تحصیل علم راغب
شدند و شیخ بهائی و میرزا اماد و میر فندرسکی و علاما
مجلسی در زمان انها بودند

س ۱۶۸ — اسامی انها چه بود

ج — اسامی معروفین انها اینست شاه
اسمعیل اول شاه طهماسب اول شاه عباس اول شاه
اسمعیل ثانی و طهماسب ثانی و عباس ثانی شاه صفی شاه
سلیمان و سلطان محمد

س ۱۶۹ — نادر شاه از کدام طایفه است

ج — نادر شاه از طایفه افشاریه خراسان است

و باین سبب انها را افشاریه میگویند و بواسطه شجاعت
و همت از مرتبه رعیتی خود را بمرتبه شهریاری رسانید و با ایران
تنها کفایت نکرد لشکری بهندوستان کشید و محمد شاه پادشاه
هند را که از نسل گورکان بود او را شکست داد و تاج و
تخت او را تصرف کرد ولی دوباره باو رد کرد و بخشید و
جواهرات که از هند اورده هنوز در خزینه ایران موجود است
و رود سند را سرحد ایران قرار داد

س ۱۷۰ — بعد از فتح هندوستان چه کرد

ج — بعد از فتح هندوستان لشکر بترکستان
کشید و همه را تصرف کرد و جیحون را سرحد ایران قرار
داد و باقی را بخودشان واگذار کرد و برگشت با ایران در
سر راه مازندران تیری باو انداختند که اثر به پسر خود
رضا قلی میرزا رفت و او را کور کرد و عثمانی هم قبول مذهب
جعفری را جزو مذهب سنت نکردند بیشتر بها کند و پریشان
شد

س ۱۷۱ — عاقبت کار نادر به کجا کشید

ج — عاقبت کار نادر شاه بدیوانگی و بد

سلوکی کشیدند خیلی بمردم سخت گرفت خصوص بشیعه
مردم تنگ آمدند و شاه را کشتند و کشتن او دو
باره استیلای ایران شد گرچه در آخر سلطنتش بمردم
خوش نمیگذشت

س ۱۷۲ ج بعد از کشتن نادر در افغانستان افغانها
برای خود بنای سلطنت گذاردند و بخارا از ایران جدا
کردند در مابقی ایران هم علیشاه و بعد از او شاهرخ میرزا
نیز سلطنت کردند و کاری از پیش نبردند و سرکردگان
دیگر هم بنای مخالفت گذاردند تا کریم خان زند که از ایلیات
بزرگ ایران بود در فارس تسلطی پیدا کرد و پادشاه شد

س ۱۷۳ — کریم خان که پادشاه شد چگونه شد —
ج — کریم خان که پادشاه شد بواسطه خوش
رفتاری همه ایران را تصرف کرد و منظم ساخت و معاند
خود محمد حسن خان قاجار را کشت و سلطان عثمانی را هم
شکست داد با وجود اسم شاهی بخود نگذاشت و میگفت
من وکیل الرعایا هستم و اینها را زندیان میگویند —

س ۱۷۴ — بعد از کریم خان چگونه شد —

بعد

ج — بعد از کریم خان ایران هرج و مرج شد
ابو الفتح خان و صادق خان و جعفر خان و لطفعلی خان
هر کدام زحمتها کشیدند ولی نتوانستند کاری بکنند
تا آغا محمد خان پسر محمد حسن خان قاجار که مدعی زندیان
بود و بر همه غلبه کرد و خیالی که اجدادش در نظر داشتند
صورت داد و سلطنت ایران به تصرف قاجاریه درآمد

س ۱۷ — قاجاریه از کدام طایفه اند —
ج — قاجاریه از طایفه ترکان و در استراباد
سکنی داشتند و فتحعلیخان رئیس اینها در زمان شاه
طهماسب در سفر خراسان که بواسطه نادر کشته شد و پسر
محمد حسن خان مدعی زندیان شد کشته شد ولی کریم
خان پسر او که آقا محمد خان باشد پیش خود نگاه داشت و
وقتیکه کریم خان مرد فرار کرد بمازندران —

س ۱۷ — آغا محمد خان که بمازندران رفت چه کرد
ج — آغا محمد خان که بمازندران رفت همه را هم
خویشانش بنای سلطنت گذاشت و طهران را پایتخت
قرار داد و بتوسط حاجی ابراهیم خان نامی که از بزرگان فارس

بود

بود بخارا هم گرفت و زندیان را تمام کرد

س ۱۷۷ — در زمان اغا محمد خان چه واقعه رویداد

ج — در زمان اغا محمد خان والی گرجستان که تابع ایران بود بواسطه هم دینی تابع روس شد پادشاه ایران لشکر بانجا کشیدو انجا را بتصرف در اورد و روسها هم از طرف دیگر لشکر بایران کشیدند پادشاه عازم جنگ انها شد مفسدین لشکر خودش او را کشتند ۱۲۱۲ و دست وسیه مملکت ایران باز نشد

س ۱۷۸ — بعد از کشتن اغا محمد خان چه گونه شد

ج — بعد از کشتن اغا محمد خان چون خاجه بود برادرزاده اش فتحعلیشاه بتخت نشست و اول داخله مملکت را منظم کرد و بعد پسرش عباس میرزا را بجنگ روسیه فرستاد و از روسها جلوگیری کرد ولی مردمان تفققا هوادار روسها شدند و با پادشاه خود بی وفائی کردند لذا کار بجائی پیش نرفت و فتنه نخوابید

س ۱۷۹ — اخر کار ایرانیان با روسها بکجا کشید

ج — اخر کار اندیشه کرد که ناپلیون اول که پادشاه

فرانسه بود و بخیال ترقی افتاده بود و میخواست هند را که از تصرف فرانسه بیرون رفته بود و انگلیس ضبط کرده بود برای خود بگیرد و با سلطان ایران بنای دوستی را گذارد و کسی را فرستاد که لشکر ایران را بنظام فرنگ ترتیب دهند و نظام فرنگ از ان زمان در ایران است و مسامحه میکرد ناچار سلطان ایران با انگلیس طرح دوستی انداخت

س ۱۸۰ — بعد از دوستی انگلیس چه گونه شد

ج — بعد دوستی انگلیس در قریه گلستان با روسیه ۱۲۲۸ بتوسط انگلیسها صلح شد و ولایاتی را که تصرف کرده بودند مال انها شد و از ان زمان پای فرنگها بایران باز شد و عثمانیها که این عمل را دیدند بطمع افتادند و چند جنگ کاری کردند ولی فایده زیاد نبردند بواسطه شجاعت محمد علی میرزای نایب السلطنه و عباس میرزا پسران فتحعلیشاه و صلح کردند در ۱۲۳۹

س ۱۸۱ — دیگر چه واقعه مهمی رویداد

ج — دیگر واقعه مهم این بود که روسها بنای

آنجا و زرا گذاردند و علمای ایران بریاست سید محمد
مجاهد حکم جهاد کردند پادشاه هم نایب السلطنه را
بریاست داد و بروسها شکست فاحشی دادند که باز نفاق
پیش آمد از یکطرف بزرگان بنای غرض را گذاردند به
اینواسطه شکست بزرگی بایران رسید ——

س ۱۸۲ —— نتیجه این نفاق چه بود ——

ج —— نتیجه آن شد که بیشتر شهرهای ایران به
تصرف روسیه درآمد و قریب به پنج کرور پول حالیه
باسم خسارت از ایران گرفتند و در قریه ترکمان چای
دوباره صلح کردند و ایرانیان باین جهة اسیر روسیه
شدند و حکم اتباع بر ایرانیان نافذ شد سنه ۱۲۴۳

س ۱۸۳ —— بعد از مصالحه دیگر چه واقعه روی داد

ج —— بعد از مصالحه روس ترکمنها در خراسان
بنای شورش را گذاردند ولی کاری نکردند و نایب
السلطنه هم بزودی مرد و بعد یکسال هم پادشاه از
دنیا رفت سنه ۱۲۵۰ ولی با وجود این همه کشمکش مردم خوش گذشت
و کمتر گرفتار مشکلات بودند بواسطه مردمان کافی مثل میرزا

شفیع و معتمد الدوله و صدر اصفهانی

س ۱۸۴ — بعد از فتحعلیشاه که پادشاه شد ——

ج —— بعد از فتحعلیشاه نواده او محمد شاه پادشاه
شد پسران فتحعلیشاه بنای جنگ را گذاردند و کاری
نکردند و محمد شاه هرات را تصرف کرد ولی انگلیس نگذاشت
و اهل ایران بعد از نادر بواسطه نفاق خودشان در زمان
روس و انگلیس ماندند غیرت و شجاعت ایرانی را از دست
دادند و بیشتر شهرهای آنها بتصرف اجانب افتاد و
محمد شاه هم بزودی از دنیا رفت سنه ۱۲۶۴

س ۱۸۵ — بعد از محمد شاه که بپادشاهی رسید ——

ج —— بعد از محمد شاه پسرش ناصر الدین شاه به
پادشاهی رسید و مدعی بزرگ او سالار بود که در
خراسان بود او از محمد شاه یاغی شده بود و مدعی سلطنت
او بود ولی کفایت میرزا تقی خان امیر کبیر و شجاعت حسام
السلطنه فتنه بزرگ را خوابانید و امیر کبیر ایران را منظم کرد و
صنایع و علوم را ترویج داد بقدری که محسود اقران شد و
آن وجود بزرگ را بکشتن دادند ——

س ۸۶ — در زمان ناصر الدین شاه چه واقعه روی داد

ج — در زمان ناصر الدین شاه خان خارزم که تا زمان نادر تابع ایران بود بعد از او یاغی شده بود و همیشه مزاحم ایران بود ناصر الدین شاه فرستاد او را کشتند و مملکت او را ضبط کردند سوی شورش کردند دوباره لشکر فرستاد بزرگان لشکر نفاق کردند و چهل هزار لشکر ایران بکشتن رفت و روسها وقت پیدا کردند آنجا را نیز تصرف کردند

س ۸۷ — دیگر چه واقعه در زمان ناصر الدین شاه اتفاق افتاد

ج — دیگر واقعه هرات بود که ناصر الدین شاه آنجا را گرفت ولی انگلیس مجبور به تخلیه اش نمود و در داخله ایران بنای مداخله نمودند که بسبب شرع از جانب علما انها را سر جای خود نشانید در مسئله تنباکو و ناصر الدین شاه پادشاهی عادل بود و در زمان او مردم خوش گذشت و ولایات او امن بود و فتنه بابیه را که اسباب خرابی دین بود قدری خاموش کرد که تا علانیه نباشد

س ۸۸ — آخر کار ناصر الدین شاه چه گونه شد

ج — آخر کار ناصر الدین شاه اندیشه کرد بنای خوشی کند و اداره را واگذاشت و چند سفر به فرنگستان رفت و با فرنگیان بنای مراوده گذارد و کارها را با آنها واگذارد کرد یکباره مردم اسیر فرنگیها شدند و بزرگان ایرانیهم از یاد رعیت بیرون رفتند و بنای ظلم را گذاردند تا میرزا رضا نامی کرمانی پادشاه را با ضرب تیر شهید کرد ۱۳۱۳

س ۸۹ — بعد از ناصر الدین شاه که بسلطنت نشست

ج — بعد از ناصر الدین شاه مظفر الدین شاه به سلطنت نشست ولی او پادشاهی علیل المزاج و سست عنصر بود و در زمان او پرده شوکت ایرانیان یکباره دریده شد و اعتبار انها در نظر خارجه کم شد و دولت ایران مقروض اجانب شد و در آخر کار دستخط مشروطه به مردم داد و از دنیا رفت در ۱۳۲۴

س ۹۰ — بعد از مظفر الدین شاه که پادشاه شد

ج — بعد مظفر الدین شاه پسرش محمد علی میرزا پادشاه شد ولی چون با اساس مشروطه همراهی نداشت و با

حرکتهم بهانه جوئی میکردند تا عاقبت مجلس شوری را خراب کردند در
سنه ۱۳۲۶ و قلت همیکباره از او برگشتند و با بیشورش را گذاردند
جناب سپهدار اعظم با مجاهدین از رشت و جناب سردار اسعد
با ایل بختیاری از اصفهان عازم طهران شدند هنگام ورود
محمد علیشاه در پناه سفارت رفت لذا اهل دار الشوری پسرش
احمد شاه را بسلطنت اختیار کردند ولی چون طفل بود نایب السلطنه
از برای او برقرار کردند و محمد علیشاه هم از ایران بیرون رفت
تا بعد چه رخ نماید و از پرده غیب بیاید خداوند
فرج امام زمان و حجة زمین و آسما
و امام دوازدهم شیعیان
را نزدیک گرداند تا ما را
بمنزل نجات برساند
بحق محمد و آله

...ال مدرسه اعتراض نموده بدربار و پای تخت سلطان
...یت نموده بعد از چندی تقدیر خداوندی با تدبیر او
...ستگاه سلطانی در سلک منشیان بخدمت تحریر مقرر گردید
...ن لیاقت و شایستگی خود محبوب القلوب جمیع دربا
...ص سلطان گردید تا آخر اقبال یاوری نموده وزیر الملک
...به صدارت عظمی و بلقب نظام الملک مفتخر گشت و روز
...یان بر اعتبار عزت او افزوده میشد و شهرت عدل و
...ش در اقطار عالم شهرت پیدا کرده عمر خیام و حسن صباح
...ده بودند لهذا نظر بآن عهد و پیمانی که در عالم طفولیت با
...بسته بودند عازم دربار سلطان شده بعد از ورود حضرات
...خ حاجب دربان نظام الملک ملاقات آن دو ورود ایشان
تا آنکه روزی نظام الملک با جلالت تمام عازم دربار



